



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۹/۰۷

داکتر نور احمد خالدي

## کدام کشورها میتوانند جنگ افغانستان را ختم کنند؟

من معتقدم که جنگ موجوده در افغانستان را تنها دو کشور میتوانند پایان دهند. پاکستان در قدم اول و عربستان سعودی در قدم دوم.

پاکستان میزبان رهبران طالبان و خانواده های آنان است و جنگجویان آنها در مناطق امن آن تجهیز، تربیه و تجدید نیرو میگردند و بیش از دوهزار کیلومتر سرحد مشترک با افغانستان دارد.

عربستان سعودی بصورت غیر رسمی بزرگترین حامی مالی طالبان در سطح بین المللی است. ویکی لیکس افشاء کرد که: "عربستان سالانه دو میلیارد دلار را صرف تجهیز طالبان و شبکه حقانی در افغانستان میکند" (گاردین، دسمبر ۲۰۱۰م).

با درک اهمیت پاکستان و سعودی در منطقه و نقش انکار ناپذیر آنها در جنگ افغانستان، رییس جمهور غنی بعد از به قدرت رسیدن کوشش کرد تا سیاست خارجی خود را در منطقه طوری عیار کند تا این واقعیتها در آن انعکاس یابند. محمد محقق معاون رییس اجراییه دولت وحدت ملی به این ارتباط اظهار داشت: "من به این باور دارم که نباید گذشته ها را در مسائل جدید دخیل ساخت چرا که شرایط جدید پاکستان را مجبور به مبارزه با افراطی گری کرده، چرا که این کشور هم از این ناحیه متضرر گردیده و همین مسئله موجب شده که این کشور اهدافش را با کشور افغانستان برای مقابله با تروریسم همسو سازد" محمد محقق، شفقنا، دوشنبه، ۱۸ حوت ۱۳۹۳

[www.shafaqna.com/persian](http://www.shafaqna.com/persian)

این بر سیاستمداران افغانستان است تا پاکستان را در عمل قانع نمایند که افغانستان مدرن یک دوست طرف اطمینان او است. پاکستان باید قانع شود که دولت موجود افغانستان بهتر از طالبان مطابق به منافع استراتژیک پاکستان میباشد. پاکستان باید قانع شود که یک افغانستان پیشرفته با تسهیلات و امکانات مدرن ترانسپورتی، معدنی، انرژی، آب و صنعتی به مفاد پاکستان است.

بالاخره سیاستمداران ما باید اثبات کنند که معضله **خط دیورند** و همچنان دوستی تاریخی عنعنوی با هندوستان مانع انکشاف دوستی و همکاری میان دو کشور نخواهد شد.

این عمل شجاعانه رییس جمهور غنی، نزدیکی با پاکستان و آزاد کردن زندانیهای سیاسی بدون اتهام موجه و تثبیت جرم که سالها در زندانهای امریکاییها بودند، با خشم شدید آنهايي در افغانستان مواجه شد که با هرگونه امتیاز دهی و راه حل سیاسی مسئله افغانستان که در آن عملاً تسلیمی کامل طالبان شامل نباشد مخالفت میورزند. رییس جمهور غنی و مشاوران ارشد او را طالب پرست و سر سپرده پاکستان قلمداد کردند.

## چه کسانی با پروسه صلح مخالفت میکنند؟

### مخالفت آگاهانه:

کسانی که به حمایت طیارات بی 52 امریکایی به قدرت رسیده اند و در چهارده سال با سیاستهای اغماض و مصلحت گرایانه رییس جمهور کرزی زمام امور نظامی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی این کشور را در اختیار داشته اند از تأمین صلح در افغانستان که نتیجه ناگذیر آن شمولیت طالبان در دولت افغانستان است واهمه دارند. ادامه جنگ برای این عناصر پولساز است!

این واهمه ناشی از خطر از دست دادن موقعیت ممتازی است که در دولت افغانستان دارند، خطر از دست دادن امتیازاتی است که در تشکیلات اردوی ملی، پولیس ملی و امنیت ملی کشور دارند. صدها نفر از فرماندهان بیسواد یا کم سواد تنظیمی در حالیکه لباسهای جنرالی و سترجنرالی به تن دارند.

جنگسالاران جهادی هنوز هم سلاح کویتهای تنظیمی خود را بطور غیر قانونی محفوظ نگهداشته و از هرگونه اقدام دولت برای نابودی آنها جلوگیری میکنند. این واهمه در نهایت ناشی از خطر از دست دادن گنجها و سرمایه های قانونی است که با غضب زمینهای دولتی، داراییهای مردم، امتیازات تجارتي، اختلاس قراردادهای دولتی و سوء استفاده از ملیاردها دالر کمکهای خارجی، و قاچاق تریاک بدست آورده اند. این واهمه سبب میشود تا با پروسه صلح مخالفت کرده آنرا سبوتاژ کنند.

### مخالفت نا آگاهانه:

در عین زمان مخالفت با پروسه صلح میتواند نا آگاهانه و ناشی از بی اعتمادی مردم از عملکرد دست اندرکاران پروسه و نحوه اجرای این پروسه باشد. در سیزدهم اگست سال قبل یک دوست محترم، انصاراله فوشنجی، در فیسبوک نوشتند که "من نمی دانم، شاید در هیچ جای دنیا، در هیچ نظامی، در هیچ اداره ای، در هیچ سازمانی هیچ سیاست مداری و یا سیاست گذاری بیشتر از ده سال يك سیاست شکست خورده و نا کارا را تجربه نکنند. حکومت کارمل- نجیب، سالها بر طبل پاره شده آشتی ملی کوفتند و کوچکترین صدای از مجاهدین بر نخاست، ده سال تمام و یا بیشتر از آن جناب حامد کرزی بر سرناي گر و لال صلح دمید و صدای جز انفجار و جوابی جز انتحار نشنیدیم، ملیون ها دالر صرف شد... و شور بختانه هنوز که هنوز است ما بر همان اساطیر اولین باور داریم". برداشت فوق در حقیقت خواسته یا ناخواسته دلایل مخالفین امرزی پروسه صلح با طالبان را بخوبی منعکس میکند.

افغان ها اکثراً پاکستانی ها را بی فرهنگ و بی تاریخ گفته توهین می کنند. کمتر می دانیم که پاکستانی ها تا کنون دو جایزه نوبل (فزیک و صلح) گرفته اند، و چندی قبل یک زن پاکستانی، شرمین عبید چنای، برنده جایزه اسکار شد. او بار دوم است این جایزه را در بخش مستند سازی کوتاه به دست می آورد. خلاصه، سیاستمداران نظامیان، ساینس دانان، هنرمندان و مردم پاکستان بسیار پشرفته و پیچده تر از آن است که مردم افغانستان می پندارند.

ظاهراً رییس جمهور غنی با توجه به توانمندیهای پاکستان کوشید مناسبات دوکشور را بهم نزدیک کند. در صحنه سیاسی ثمرات سیاست نزدیکی داکتر اشرف غنی با پاکستان و دادن امتیازات به آن کشور هرچند بطی بود اما تغییراتی در سیاستهای متقابل پاکستان به مشاهده رسید. سرتاج عزیز مشاور امور خارجی صدر اعظم پاکستان

از موجودیت دیپوهای عظیم اسلحه، واسکتهای انفجاری، و مهمات در زیرزمینی های مساجد مناطق قبایلی خبرداد و تایید کرد که رهبران پاکستان و خانواده های آنها در پاکستان زندگی کرده از خدمات صحنی و غیره این کشور استفاده میکنند. پاکستان در گروه کشورهای چهارگانه افغانستان، امریکا و چین اقدامات مشخصی در جهت پروسه صلح رویدست گرفته اولین نشست این گروه با طالبان را سازمان داد. متاسفانه عمر این تغییرات مثبت کوتاه بود.

مثل اینکه سیاست خارجی پاکستان نه از اسلام آباد بلکه از راولپندی مانند یک طیاره ایست که توسط اوتو پایلوت پروگرام شده هدایت میشود. افشاء خبر مرگ دوسال قبل ملا عمر رهبر طالبان این پروسه را به بن بست مواجه کرد. این که چه کسی یا مقامی در پاکستان، بخصوص در اردوی پاکستان و سازمان آی اس آی تصمیم به سبوتاژ این پروسه گردید تا حال مشخص نمیشود، نتیجه آن شد که رهبری بعدی طالبان زیر نظر ملا اختر منصور ابتکارات صلح آمیز را رد نموده به تشدید حملات تروریستی در داخل افغانستان پرداختند. یک نگاه اجمالی به نقشه مناطق تحت حاکمیت طالبان در افغانستان و مناطقی که احتمال خطر سقوط آنها از حاکمیت دولت پیشینی میگردد به وضاحت نشان میدهد که اردوی پاکستان و طالبان به پیروزی در جنگ اعتماد بیشتر یافته اند و در نتیجه به پروسه صلح علاقمندی ندارند.

متاسفانه یکی از تواناییهای ستراتژیک پاکستان موقف آنکشور در هفتاد سال گذشته به عنوان یگانه متحد غرب در منطقه است. بعد از فروپاشی اتحاد شوروی برای بیست سال پاکستان این امتیاز را از دست داد، اما با ظهور مجدد روسیه پوتین در صحنه سیاسی و نظامی جهان، پاکستان به مقام مهم استراتژیک خود در منطقه برای غرب دوباره دست یافته است. من قبلاً نوشته بودم که امریکا در هر زمانی پاکستان را به افغانستان ترجیح داده و با تشدید رقابتهای تازه امریکا و روسیه خطر آن وجود دارد که امریکا افغانستان را یکبار دیگر به پاکستان واگذار کند. از این رهگذر مطمئن نیستم امریکا حاضر شود طالبان را تروریست قلمداد کند و دولت پاکستان را شریک آن. شواهد نشان میدهد که روسیه، چین و ایران نیز از چنین موقفی حمایت نخواهند کرد.

شناخت این واقعیتها و اجبار تاریخی توسط مخالفین راه صلح در داخل و خارج دولت وحدت ملی افغانستان ضروری است. باید به تبلیغات نا سالم مساوی دانستن طالبان با پشتونها خاتمه داد. نباید بعد از هر حمله تروریستی به توهین اشرف غنی، حنیف اتمرو ستانکزی پرداخت. عبدالله عبدالله، صلاح الدین ربانی، لوی درستیز، وزیر داخله نیز در مسولیتهای امنیتی دولت شریک هستند.

اما برعکس طوریکه از بیانات اخیر صلاح الدین ربانی و اظهارات اخیر امراله صالح در مورد گلبدین حکمتیار بر می آید آنها هیچ علاقمندی به استحکام موقف دولت ندارند و در درون دولت به ایفای نقش اپوزیسیون دولت بیشتر راغب هستند و با این کار خود عملاً نقش ستون پنجم را ایفا میکنند.

کوبیدن طبل تفرقه ملی وزبانی و کوشش در تجرید سایر اقوام و ولایات از طبیفهای اداره سیاسی ودولتی در نهایت به تجرید خودی می انجامد.

لازم است در موفقیتها و در ناکامیهای دولت وحدت ملی خود را شریک دانست. امتیازات در قبال خود مسولیتها را هم در بر دارد. ادامه انحصار قدرت سیاسی، اداری، نظامی، اقتصادی و فرهنگی کشور توسط گروه خاصی که اکثریت آنها وابسته به قوم و ولایت مشخصی هستند در سایه قدرت و همکاری نظامی و لوژیستیکی امریکا

و ناتو برای همیشه میسر نیست. این امر را امریکا و ناتو میدانند و سیاستهای آنها آنرا منعکس میسازد. ایجاد صلح و زندگی در صلح به همزیستی مسالمت آمیز تمام اقوام در کنار همدیگر مطابق به احکام قانون اساسی کشور نیاز دارد.

### استراتژی رسیدن به یک راه حل سیاسی؟

برای رسیدن به یک راه حل سیاسی و صلح آمیز در افغانستان پیشنهاد من به دولت افغانستان شامل تعقیب یک استراتژی چهار جانبه آتی خواهند بود:

1. تحکیم اتحاد سیاسی نیروهای شامل دولت، بهبود اداره دولت، تحکیم ظرفیت نیروهای امنیتی و بلند بردن ظرفیتهای محاروبی آن، و متحد ساختن ملت در مقابله با دشمن مشترک؛
  2. تعقیب هدفمند یک پالیسی آشتی و مصالحه ملی و صلح با طالبان با طرح یک سیاست روشن از جانب دولت افغانستان و متحدان بین المللی آن برای دادن امتیازات به طالبان. این سیاست لازم است از طریق یک مباحثه وسیع در سطوح محلی، ولایتی و ملی مورد بررسی ملت قرار گرفته منافع تمام اقشار ملت در آن منعکس گردیده و در نهایت در یک لویه جرگه به تصویب رسیده به طالبان پیشنهاد گردد؛
  3. فورمول فوق را میتوان در مورد طرح یک سیاست روشن از جانب دولت افغانستان برای دادن امتیازات به دولت پاکستان نیز اجرا کرد. ترغیب دولت و ملت پاکستان برای جستجوی منافع دراز مدت اقتصادی و سیاسی خود در منطقه و در آسیای میانه در دوستی بایک افغانستان ترقیخواه ببیند نه در وجود یک افغانستان قرون وسطایی؛ و
  4. ترغیب ایالات متحده امریکا برای خروج کامل قوای نظامی از افغانستان و ادامه کمکهای سالانه مالی به دولت افغانستان برای جلوگیری از سقوط دولت و در نهایت جلوگیری از بقدرت رسیدن یک رژیم افراطی عقب گرای اسلامی که بار دیگر افغانستان را به امن گاه تروریستان بین المللی مبدل سازند.
- نوت: این مضمون عالی به مناسبت امکانات مذاکرات صلح باز هم به دید خوانندگان محترم قرار میگیرد.

پایان